

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی در تأسیس و گسترش مدارس نوین چهارمحال و بختیاری

پوران مردانی گرانی^۱، سهیلا ترابی فارسانی^{۲*}، فیض‌اله بوشاسب گوشه^۳

(دریافت ۱۴۰۰/۰۸/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱)

چکیده

تا اواسط دوران قاجار نظام آموزشی بیشتر با رویکرد سنتی منطبق بود و پس از آن با تأسیس دارالفنون، تشکیل انجمن معارف و توجه روشنفکران به مسئله آموزش و پرورش گام‌های بنیادین در این زمینه برداشته شد. با برقراری آموزش نوین در جامعه ایران، در زمینه تعلیم و تربیت تحول اساسی رخ داد و طی آن مدارس به سبک جدید در مناطق گوناگون احداث شد. در منطقه چهارمحال و بختیاری به علت بافت غالب عشایری و روستایی، پیاده‌سازی آموزش نوین توسط حکومت با چالش جدی مواجه بود. بر این اساس خوانین و کدخدایان محلی به عنوان کنشگران و اثرگذاران در سطح جامعه بختیاری با تکیه بر جایگاه اجتماعی - سیاسی خود در عرصه آموزش ورود مؤثری داشتند. این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد، تاریخ شفاهی و مطالعات کتابخانه‌ای به این پرسش خواهد پرداخت که

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

<http://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۱-۷۷۱۶-۳۶۳۱>

۲. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

*stfarsani۱۹۶۳@gmail.com

<http://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۱-۸۴۰۸-۲۴۹۷>

۳. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

<http://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۶۲۶-۶۷۵۸>

خوانین و کدخدایان محلی در تأسیس مدارس نوین در منطقه چهارمحال و بختیاری چه نقشی داشتند و در این مسیر با چه چالش‌هایی مواجه شدند. دستاوردهای حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که خوانین بختیاری تحت تأثیر جامعه ضمن آن‌که فرزندان خود را به تحصیل عالیه سوق می‌دادند، در جهت افزایش سطح سواد به تأسیس مدارس حتی با هزینه شخصی مبادرت ورزیدند. کدخدایان محلی نیز که واسطه حکومت و مردم بودند نیز در زمینه احداث، بازسازی و تأمین هزینه‌های مدارس نقش تأثیرگذاری داشتند و موجبات رشد و گسترش آموزش عالی را فراهم کردند.

واژه‌های کلیدی: آموزش نوین، چهارمحال بختیاری، خوانین، کدخدا، مدارس.

۱. مقدمه

نخستین گام‌ها به سوی آموزش و پرورش نوین در دوره قاجار عمدتاً در مقطع سال‌های (۱۲۵۹ق/۱۸۴۳م) تا انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م) صورت گرفت. در این زمان تلاش‌های تجدگرایانه با تداوم آموزش سنتی توأم بود و شاهد تمایز فزاینده تعلیم و تربیت سنتی و جدید هستیم. در این مقطع از زمان، ابتدا به همت شاهزاده عباس میرزا، عده‌ای محصل برای تحصیل به اروپا اعزام شدند. پس از مرگ فتحعلی‌شاه، محمدشاه قاجار نیز به پیروی از اقدامات پدرش عباس‌میرزا در سال ۱۲۶۱ق/۱۸۴۴م عده‌ای از جوانان کشور را برای تحصیل علوم و فنون به اروپا گسیل کرد. بدین ترتیب اعزام محصلان به اروپا چنان رواج یافت که برخی از اعیان و اشراف نیز به خرج خود، فرزندان خویش را برای تحصیل علوم و فنون به خارج از کشور می‌فرستادند. امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین‌شاه نیز در راستای اصلاحات فرهنگی خود، مدرسه دارالفنون، تأسیس روزنامه و ترجمه کتاب را پایه‌ریزی کرد.

بعد از مشروطه مدارس در ابتدای تأسیس بیشتر تحت نظارت دولت قرار داشتند. آن‌ها دارای برنامه یکنواختی نبودند و هماهنگی بین آن‌ها وجود نداشت و اداره مدرسه

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و... پوران مردانی گرانی و همکاران

و انتصاب معلمان به سلیقه مدیر بود. مدارس ملی تحت نظارت دولت توسط خوانین و منصوبان به حکومت همچون کدخدایان محلی تأسیس می شد و معمولاً از دانش آموزان مبلغی به عنوان شهریه جهت اداره مدرسه دریافت می شد. براساس قانون اساسی معارف، مصوبه نهم آبان ۱۲۹۰ ش (۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م) افتتاح حساب مدارس ملی باید با اطلاع دولت باشد. سایر اقشار و گروه ها در سطح محلی همچون افراد متمول و نیروهای نظامی نیز در زمینه های فرهنگی نظیر احداث مدرسه اقدامات شایان توجهی انجام دادند.

در بررسی پیشینه این پژوهش می توان به برخی آثار اشاره کرد. دسته اول آثار عمدتاً تألیفاتی هستند که جوانب مختلف تاریخ محلی سرزمین چهارمحال و بختیاری پرداخته اند. بنی طالبی (۱۳۸۹ش/ ۲۰۱۰م) در کتاب *مقدمه ای بر شناخت شهرکرد*، فیاضی (۱۳۸۶ش/ ۲۰۰۷م) در کتاب *یک قدم تا آسمان از بام ایران بروجن و نیکزاد* امیرحسینی (۱۳۵۷ش/ ۱۹۷۸م) در کتاب *شناخت سرزمین بختیاری* عموماً به معرفی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مناطق استان چهارمحال و بختیاری پرداخته اند. پوربختیار (۱۳۸۷ الف/ ۱۹۷۸م) در فصل دهم «معارف پروری و مدرسه سازی سردار اسعد» از کتاب «اسناد برگزیده بختیاری ها در تاریخ معاصر ایران» و همچنین مجدد وی (۱۳۸۷ج/ ۲۰۰۸م) در مقاله ای مستقل با عنوان «سردار اسعد بختیاری و کوشش های فرهنگی» نیز به جنبه های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سردار اسعد پرداخته است. وی در این دو اثر به تلاش های سردار اسعد در زمینه آموزش نوین و ساخت مدارس در مناطق بختیاری اشاره کرده است که به تکمیل بحث مقاله حاضر کمک کرده است. به جز دو پژوهش پایانی، عمده این آثار به جهت گستردگی موضوع، کم تر به مباحث آموزشی و شکل گیری مدارس نوین در مناطق مختلف بختیاری اشاره

کرده‌اند. دسته دوم آثار، عمدتاً مقالاتی هستند که وضعیت مدارس نوین را مسئله پژوهش خود مورد توجه قرار داده‌اند. باوجوداین، این آثار نیز منطقه مورد مطالعه آن‌ها از لحاظ اداری و جغرافیایی ارتباطی با پژوهش حاضر نداشت.^۱ بر این اساس مسئله پژوهش حاضر با تکیه بر نقش خوانین و کدخدایان محلی در منطقه چهارمحال و بختیاری در نوع خود جدید محسوب می‌شود که در سایر پژوهش‌ها کم‌تر به آن به صورت مبسوط اشاره شده است. اثر حاضر عمدتاً براساس اسناد مربوط به سازمان اسناد و کتابخانه ملی، و اسناد مرتبط با آموزش و پرورش محلی و همچنین پژوهش‌های میدانی دست یافته و بر همین اساس به تجزیه و تحلیل آن خواهد پرداخت.

۲. خوانین بختیاری و آموزش نوین

خان مهم‌ترین مقام در جامعه ایلپاتی ایران بود. هرم قدرت در میان بختیاری‌ها به خان می‌رسید. درواقع نوع زندگانی عشایری، ایجاد اتحاد علیه دشمن و دسترسی به نیازهای زندگی روزمره وجود منصب خان در میان ایل بختیاری‌ها را حائز اهمیت کرد. رسیدن به منصب خانی موروثی بود و معمولاً خوانین و بستگان آن‌ها خود را در سطح جامعه گروه ممتازی می‌دانستند و تلاش می‌کردند از این جایگاه در عرصه سیاسی - اجتماعی بهره ببرند. خوانین در مسائل مختلف مرتبط با ایل بختیاری نقش اصلی داشتند. فراهم آوردن زمینه کوچ ایل، وصول مالیات، حل نزاع داخلی و بین ایلی، عزل و نصب کدخدایان و راهنمایی مسئولان حکومتی در ارتباط با مسائل مرتبط به منطقه ازجمله وظایف اصلی خان در ساختار جامعه ایل بختیاری بود (پوردشتکی، ۱۳۹۰، صص. ۷۰-۷۲؛ صفی‌نژاد، ۱۳۸۰، صص. ۱۶۰-۱۶۱).

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی گرانی و همکاران

در زندگی شخصی خوانین، آموزش نوین تأثیر جدی گذاشت. خوانین در آموزش فرزندان خود بر سر دوراهی یعنی هم استفاده از مکتب‌خانه‌های قدیم و هم مدارس جدید قرار گرفتند. مهدی‌قلی‌خان^۲ یکی از پسرانش را به نام نصرالله‌خان به روش قدیم تربیت کرد و او را به رموز و فنون سوارکاری و تیراندازی آشنا کرد، در حالی که ابوالفتح‌خان پسر پنج ساله‌اش را در خانه یک پیرزن ایرلندی در جلفا مقیم کرد تا او را با شیوه انگلیسی‌ها تربیت کند. از سوی دیگر نیز در سرزمین بختیاری برخی خوانین بچه‌های خود را در سنین نوجوانی برای کسب تحصیل به خارج از کشور اعزام می‌کردند (مکین رز، ۱۳۷۳، صص. ۱۳۸-۱۴۰؛ گالت و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۵۲).

آموزش نوین سبب شد که علاقه به علم‌آموزی در میان حکام و خوانین رواج یافت. از میان حکام و خوانین بختیاری، حاج علی‌قلی‌خان بختیاری (سردار اسعد دوم) و سردار اشجع سفرهایی به اروپا داشتند و در آنجا با پیشرفت‌های علمی آشنا شدند. حاج علی‌قلی‌خان پس از بازگشت سعی کرد تجربه سفر خود را در زمینه علمی به کار بندد. وی در این زمینه کتاب‌هایی را از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه کرد و همچنین کتاب تاریخ بختیاری به کوشش ایشان نوشته و گردآوری شد (پوربختیار، ۱۳۸۷، ج، ص. ۲۱).

۳. نقش خوانین بختیاری در تأسیس و گسترش مدارس نوین

خوانین از گروه‌های بانفوذ در مناطق چهارمحال و بختیاری بودند که در زمینه حمایت از آموزش و فرهنگ‌پروری نقش عمده‌ای داشتند. در مناطق محلی این منطقه به سبب وجود جامعه سنتی و ایلپاتی، خوانین بختیاری در ترویج معارف و توسعه فرهنگ گام‌های اساسی برداشتند. از جمله اقدامات جدی این قشر تأثیرگذار حکومتی در مناطق گوناگون چهارمحال و بختیاری، ساخت مدارس نوین بود. آن‌ها با تأسیس دبستان‌ها

در پی ارتقای علمی و کیفی آن برآمدند و تعدادی معلم از تهران برای تدریس در این مدارس دعوت کردند. خوانین که عمدتاً در شهرهای بزرگ همچون تهران و اصفهان در برخی فصول سال ساکن بودند، از مناسبات خود با صاحب منصبان حکومتی در جهت حل مشکلات و معضلات آموزش نوین استفاده کردند و مسیر ایجاد مدارس را هموار کردند (گارثویت، ۱۳۷۵، ص. ۴۴).

همچنین بعدها تعدادی از دانش‌آموختگان همین مدارس که عمدتاً از فرزندان خوانین بودند، جهت ادامه تحصیل به مدارس خارج اعزام شدند (ملک‌زاده، ۱۳۷۳، ج ۵/ ص. ۵۴۶). برای نمونه می‌توان به ابراهیم چهارزی^۳ متولد ۱۲۸۷ش (۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م) و احمدقلی صمصام متولد ۱۲۸۸ش (۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م) اشاره کرد که تحصیلات متوسطه را در تهران و ادامه آن را در رشته طب در پاریس گذراندند (سالنامه احصائی اداره سرپرستی، ۱۳۱۰-۱۳۱۱، ص. ۴۲). همچنین ابوالقاسم بختیار نیز از دیگر فارغ‌التحصیلان مدارس ملی در سرزمین‌های بختیاری به شمار می‌رفت. وی درس را در پنج سالگی در مکتب خانه فرا گرفت و پس از آن به عنوان للچه^۴ بچه‌های خان تا سن ۴۶ سالگی مشغول به کار شد. او از سوی معلم آمریکایی برای تعلیم به نیویورک فرستاده شود و در ۵۴ سالگی از دوره طب تولوز دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۱۰ش / ۱۹۳۱م به عنوان پزشک تحصیل کرده همراه همسر آمریکایی خود هلن جفری^۵ به ایران مراجعت و نخستین بیمارستان خصوصی را در تهران راه‌اندازی کرد (فیاضی، ۱۳۸۶، صص. ۱۹۷-۱۹۸).

قدرت خوانین در منطقه به حدی بود که پیشرفت و آبادی یا عقب‌ماندگی شهر به سیاست و توانمندی آن‌ها بستگی داشت. اولین مدرسه که به صورت رسمی توسط خوانین تأسیس شد، معروف به مدرسه بختیاری در دزفول^۶ به سال ۱۲۶۴ش (۱۲۶۴ق/

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی گُرانی و همکاران

۱۸۸۵م) مصادف با دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار بود. این مدرسه بیش از ده هزار مترمربع وسعت داشته و در محله صحرا منتهی به محله چولیان، از محله‌های قدیم دزفول واقع بوده است (حیدری پیدنی، ۱۳۹۴، ص. ۷۶۱). در سال ۱۲۸۲ش (۱۳۲۱ق/ ۱۹۰۳م) بنا به پیشنهاد علیقلی خان سردار اسعد و سلطان محمدخان سردار اشجع از سرشناس‌ترین خوانین بختیاری که در چهارمحال نیز دارای املاک زیادی بودند، ساختمان آجری جهت تأسیس مدرسه به سبک جدید با نام «مدرسه مبارک ملی دهکرد» احداث شد. ساختمان این مدرسه که در حدود دو هزار مترمربع مساحت داشت، روبه‌روی مسجد جامع حاج محمدرضاخان قرار داشت (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۷، ص. ۳۹۶). هزینه ساخت این مدرسه از مقرری بود که دولت در سال ۱۲۹۰ش (۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م) برای سردار اسعد تعیین کرده بود که وی آن را ابتدا برای ساخت مدارس در تهران و پس از مدتی برای احداث مدرسه در چهارمحال و بختیاری اختصاص داد (ساکما، ۲۴۰/۰۵۴۳۲۱؛ پوریختیار، ۱۳۸۷، ج. ص. ۲۴). برای تأمین کادر مدیریتی و آموزشی این مدرسه، معلمانی از شهرهای اصفهان و تهران به دهکرد دعوت شدند و مشهورترین آنان ملارجبعلی زیرک‌زاده، شیخ علی طاری، آقاصفرعلی (جناب) نحوی بودند که همگی از علمای زمان خود بودند (زمانی‌پور، ۱۳۷۸، ص. ۱۹). «مدرسه مبارک ملی دهکرد» به جهت برخورداری از حمایت مادی و معنوی خوانین خوشنام بختیاری، مورد استقبال عمومی قرار گرفت و حتی صاحبان منبر و امام جماعت مساجد نیز فرزندان خود را به این مدرسه می‌فرستادند، اما گاهی آنان با بعضی از برنامه‌های مدرسه مثل زبان فرانسه، تاریخ طبیعی، جغرافیا مخالفت‌هایی می‌کردند که آن هم با مذاکرات مدیر مدرسه و برخی از مذهب‌یون حل می‌شد (زیرک‌زاده، ۱۳۷۶، صص. ۲۶-۲۵).

خوانین بختیاری به مدت هشت سال مخارج مدرسه را پرداخت می‌کردند و اهالی دهکرد نیز از این خدمات راضی بودند تا این‌که به سبب قرار دادن برخی مالیات‌ها و عوارض توسط حکومت و پریشانی اوضاع اقتصادی اهالی از عهده پرداخت مخارج مدرسه بر نیامدند. وزارت معارف نیز ماهی سی تومان در جهت رفع مایحتاج مدرسه پرداخت می‌کرد. خوانین بختیاری از وزارت معارف خواسته بودند که اداره این مدرسه را به خود آن‌ها واگذارند و از طرف وزارت معارف نیز قرار شد که یک مدرسه جدید دولتی شش کلاسه ابتدایی در شهرکرد تأسیس شود و ۳۰ تومانی که ماهانه به مدرسه مبارکه بختیاری داده می‌شد قطع شود. این مسئله موجبات نارضایتی غلامحسین زیرک‌زاده سرپرست مدرسه و برخی از خوانین و اهالی شهرکرد را فراهم کرد. درواقع با قطع مقرری ماهانه وزارت معارف، معلوم نبود که خوانین بختیاری دیگر حاضر شوند مدرسه را اداره کنند و در این صورت مدرسه با وجود برخورداری از ۲۰۸ نفر دانش‌آموز و ۸ کلاس درس و ماهیانه ۳۰ تومان اعانه عواید منحل خواهد شد (ساکما، ۱۳۹۷/۰۳۹۲۶۴). سیدعلی ساعی از جمله افرادی بود که مدیریت مدرسه ملی بختیاری دهکرد را مدتی برعهده داشت. وی در سال‌های متمادی پیگیر امور مدرسه از طریق خوانین، بزرگان چهارمحال و اداره معارف اصفهان بودند (بنی‌طالبی، ۱۳۸۹، صص. ۱۵۵-۱۵۶).

وضعیت مدارس شکل‌گرفته با حمایت خوانین بختیاری همیشه به‌سامان نبود. در این میان فعالیت مدارس تحت تأثیر دو مقوله بود؛ از یک سو کارشکنی‌های برخی از خوانین و متنفذان محلی که حاضر به راه‌اندازی مدرسه نبودند و از سوی دیگر برخی از اهالی چهارمحال که به پرداخت مالیات به بزرگان بختیاری‌ها اقدام نمی‌کردند. این مسئله سبب شد که چندین بار مدرسه به حالت تعطیل درآمدند. با وجود این مدرسه

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی گرانی و همکاران

ملی دهکرد تا سال ۱۳۱۵ ش (۱۳۵۵/ق/ ۱۹۳۶م) که به صورت نیمه تعطیل درآمد بود، همچنان با مساعدت برخی از خوانین در پرداخت اعانه به صورت های مختلف از جمله فروش سهام خود توسط مباشران و با همکاری فرمانداری بختیاری اداره می شد. سال ۱۳۰۶ ش (۱۳۴۶/ق/ ۱۹۲۷م) مدرسه دولتی پسرانه چهارکلاسه ای که طی درخواست های مکرر اهالی که متقاضی دائر کردن یک باب مدرسه شش کلاسه بودند، در دهکرد تأسیس شد. اما با وجود تأسیس این مدرسه برخی مشکلات در مسیر ادامه حیات آن وجود داشت. عدم وصول اعانه توسط دولت به مدرسه ملی، عدم پرداخت حقوق معلمان و همچنین دولتی شدن مدرسه موجب شد که اهالی دهکرد از دادن اعانه خودداری کردند. مجموع این عوامل باعث شد شرایط برای انحلال مدرسه ملی دهکرد که ۲۳ سال فعالیت داشت، به وجود آید (ساکما، ۲۹۷/۰۳۹۲۶۴).

از دیگر مدارس مهمی که در استان چهارمحال و بختیاری ایجاد شد، مدرسه ملی اتحادیه بختیاری معروف به «مدرسه شهاب السلطنه» در شهر بروجن بود. بروجن از دیرباز و قبل از جنبش مشروطه خواهی مراکز تحصیلی آن به صورت مکتب خانه اداره می شد. جرقه احداث مدرسه در این شهر به حمایت خوانین بختیاری به بازگشت حاج علی قلی خان سردار اسعد (دوم بختیاری) در سال ۱۲۸۲ ش (۱۳۲۱/ق/ ۱۹۰۳م) از سفر اول اروپا بر می گردد. وی در جلسه ای که در این شهر جهت ایجاد وفاق و ازبین بردن کدورت های مابین خوانین اعضای خانواده های حاج ایلخانی و حاج ایل بیگی تشکیل شده بود، حضور یافت و خوانین را به تأسیس مدرسه ای جهت تحصیل فرزندان شان تشویق کرد. بر این اساس مدرسه با تلاش حاج سلطانعلی خان ملقب به شهاب السلطنه از خوانین دانشمند، که مالک بخش هایی از بروجن بود، شکل گرفت (ساکما، ۲۱۸/۷۰۵۱۳۱). سردار اسعد بعدها عده ای از فارغ التحصیلان همین مدارس را جهت ادامه

تحصیل به اروپا فرستاد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ج ۴ و ۵/ص. ۱۰۷۹). این دانش‌آموختگان بختیاری پس از پایان تحصیل و بازگشت به ایل، سرمنشأ تحولات اساسی فرهنگی، آموزشی و اجتماعی شدند و طبقه جدیدی از از خوانین جوان اما روشنفکر و نوگرا را تشکیل دادند (پوربختیار، ۱۳۸۷، ب، ص. ۶۴).

پس از آن عمارت مرحوم مشهدی یوسف بروجنی انتخاب و به مدرسه اختصاص داده شد. مدرسه در سال ۱۲۷۴ش (۱۳۱۳ق/ ۱۸۹۵م) در زمینی به مساحت حدود چهارهزار مترمربع ساخته شد و معلمان و مربیانی از اصفهان و دیگر شهرها جهت تعلیم و تربیت اطفال و دانش‌آموزان استخدام شدند. بیشتر هزینه‌ها و مخارج مدرسه توسط خود شخص شهاب‌السلطنه پرداخت می‌شد و مبالغ ناچیزی از مردم محلی دریافت می‌گردید (اسناد موجود در موزه طار نطنز، ۱۳۰۷/۱۰/۰۷). در این مدرسه علاوه بر تعلیم زبان و ادبیات فارسی و عربی، زبان انگلیسی، فرانسه و صنایع‌دستی نیز آموزش داده می‌شد (وحید دستگردی، ۱۳۵۹، ج ۲/ص. ۲۴۳).

حقوق اعضا و کارکنان مدرسه اتحادیه بختیاری در سال ۱۲۹۷ش (۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م)، توسط بانی مدرسه اتحادیه بختیاری شهاب‌السلطنه مبلغ ۳۰ تومان تعیین شد و تهیه سوخت زمستانی مدرسه نیز بر عهده خود شهاب‌السلطنه مؤسس مدرسه بود. البته اداره معارف اصفهان در موارد لازم به صدور دستورالعمل و تعلیمات مفید نسبت به مدارس چهارمحال و از جمله مدرسه شهاب‌السلطنه می‌پرداخت (سند موجود در موزه طار نطنز، ۱۳۰۱/۰۴/۲۵؛ ۱۳۳۷/۰۲/۱۹). همچنین استادانی عالی‌مقام چون میرزا شیخ‌علی ناظم نطنزی (مدیر) و شیخ محمدطاهر نطنزی، میرحسین مجدالادبا، میرزا عبدالرحیم خان شیرازی و میرزا سیف‌الله‌خان و یک معلم زبان بلژیکی در مدرسه به امر تدریس مشغول بوده‌اند و تمام دروس از فارسی و انگلیسی در این دبستان تدریس

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی گرانی و همکاران

می‌شد (طاهری، ۱۳۵۸، صص. ۷۶-۷۷؛ سند موجود در موزه طار نطنز، ۱۳۳۷/۰۶/۳۰). مدیریت مدرسه بر عهده ناظم‌الدوله بود که وی در تعلیم و تأدیب دانش‌آموزان و برگزاری امتحانات همت گماشت. شهاب‌السلطنه پس از بازدید و مشاهده شیوه‌های تربیت و ترقی علمی دانش‌آموزان از تلاش‌های مدیر مدرسه و معلمان تقدیر و تشکر به عمل آورد (سند موجود در موزه طار نطنز، ۱۳۳۶/۰۳/۲۷).

برقراری آموزش حرفه‌ای در مدارس ابتدایی و متوسطه از جمله مسائلی بود که در تحول آموزشی مدرسه شهاب‌السلطنه بروجن تأثیر گذاشت. مدرسه شهاب‌السلطنه بروجن از جمله مدارس بود که در آن طرح فوق پیاده شد و با استقبال شایانی روبه‌رو شد. این طرح موجبات پیشرفت و ترقی مردم بروجن را فراهم کرد و در آن زمان افراد شایسته‌ای در رشته‌های پزشکی، صنعتی و علوم به جامعه تحویل داده شد (فیاضی، ۱۳۸۶، صص. ۱۰۸-۱۱۰).

در سایر مناطق استان نیز ساخت مدارس جدید صورت گرفت. در سال ۱۲۹۰ش (۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م) به همت برخی خوانین، بزرگان و معارف‌پروران در شهر سامان مدرسه ملی تأسیس شد که مدیریت آن به عهده مرحوم سیدحسین شجره و پس از آن به وسیله سید جلال‌الدین فرزانه اداره می‌شد. اهالی محلی نیز از کمک‌های مالی و معنوی دریغ نمی‌داشتند تا این‌که در سال ۱۳۲۰ش از طرف وزارت معارف و اوقاف یک مدرسه دوکلاسه در این مدرسه ملی تأسیس شد. پس از مدتی نیز به سبب برخورداری مدرسه از امکانات و بودجه وزارت معارف و اوقاف، این مدرسه به وزارت فرهنگ واگذار شد (نیکزاد امیر حسینی، ۱۳۵۷، ص. ۵۵۱). در برخی موارد نیز ساخت مدرسه در برخی مناطق همچون روستا دستگرد امامزاده با وجود همکاری و حمایت

خوانین به علت عدم تأمین اعتبارات مالی از سوی وزارت فرهنگ عملاً امکان‌پذیر نشد (ساکما، ۱۳۹۳/۱۱۸۶۹۴).

در قهفرخ نیز از دیگر مناطق چهارمحال و بختیاری، «مدرسه ملی سعادت» به همت بعضی خوانین، تجار و معارف‌پروران شکل گرفت. مرحوم مشهدی‌علی مدنی از افراد بومی پیشقدم شد و عمارت مرحوم عزیزاله‌خان^۶ را که در وسط آبادی بود، خریداری و برای مدرسه اختصاص داد. بدین ترتیب در سال ۱۲۹۹ش (۱۳۳۸ق/ ۱۹۲۰م) مدرسه‌ای به نام سعادت به مدیریت آقای سید حسن شجره (عضو عالی‌رتبه وزارت دارایی) دایر شد. در سال ۱۳۰۰ش (۱۹۲۱م) یک کلاس دیگر به این مدرسه اضافه شد. با وجود این مدارس نوین به جهت نپایایی دچار مشکلات اساسی نیز می‌شدند. در سال ۱۳۰۲ش (۱۹۲۳م) به دلیل عدم پرداخت مالیات و عوارض و ندادن حقوق معلمان، مدرسه منحل شد. اما بار دیگر با فعالیت اهالی بومی و علاقه‌مندان چند ماهی مجدداً یک مدرسه سه کلاسه به مسئولیت حسینعلی قدسی و آموزگاری سیدمحمد فرزانه و مولانا برقرار و شاگردان به ادامه تحصیل مشغول شدند که تا سال ۱۳۰۴ش (۱۹۲۵م) برقرار بود (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۷، ص. ۲۰۰).

در سال ۱۳۰۶ش (۱۹۲۷م) در نتیجه پافشاری اهالی محل به وزارت فرهنگ و واگذاری عمارت وقفی آقای مدنی به فرهنگ در زمان ریاست میرزا صادق‌خان فاطمی به اداره معارف در اصفهان مدرسه دولتی سه کلاسه‌ای به نام سنائی به مدیریت ابوالقاسم طاهرزاده و با حضور معلمان سیدمحمد فرزانه، حسنعلی قدسی و محمدعلی راستی تأسیس شد که جمعاً ۹۰ نفر محصل داشت (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۷، ص. ۲۰۰).

مدرسه دیگر در مناطق بختیاری، مدرسه ملی جعفریه جونقان بود. جعفرقلی خان سردار اسعد بختیاری با هزینه خود و به وسیله غلامحسین‌خان زیرک‌زاده مدیر مدرسه

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و... پوران مردانی گرانی و همکاران

ملی بختیاری دهکرد مدرسه‌ای سه کلاسه در قریهٔ جونقان در عمارتی با پنج اتاق تأسیس کرد. مدیریت این مجموعه برعهدهٔ آقامیرزا محمد زیرک‌زاده و سیدعلی ساعی دهکردی بود (بنی‌طالبی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۸). این مدرسه به سبک مدارس تهران بود و جمعی از کودکان دهقانان آن منطقه در آن مشغول به تحصیل بودند. سردار اسعد نیز تمام مخارج را از کسبه متحمل می‌شد و بر این اساس معلم دروس عربی، فرانسه و ریاضی از تهران فراخوانده می‌شد (سردار اسعد، ۱۳۷۶، ص. ۷۸؛ پوربختیار، ۱۳۸۷، الف، ص. ۲۶۵). همچنین به دستور سردار اسعد تعدادی از دانش‌آموزان این مدرسه برای ادامهٔ تحصیل به خارج اعزام شدند (میرزایی دره‌شوری، ۱۳۷۳، ص. ۲۶۲). بعدها خان باباخان حزب «ستاره بختیاری» را تأسیس کرد که آموزش اجباری کودکان بختیاری و تأسیس مدارس صنعتی و فنی برای پسران و دختران بختیاری از اصول مرام‌نامهٔ حزب وی بود (پوربختیار، ۱۳۸۷، الف، ص. ۲۶۶). با وجود این، تأسیس مدارس با کارشکنی سایر خوانین منطقه و حتی حسادت آن‌ها مواجه می‌شد. عده‌ای از خوانین جونقان سردار اسعد را مورد سرزنش قرار می‌دادند مبنی بر این‌که با تأسیس مدرسهٔ فرزندان دهقانان باسواد می‌شوند و دیگر فرمانبری نخواهند کرد. این مدرسه بعد از چهارسال تعطیل شد. این مسئله حاکی از آن است که با وجود تلاش‌های خوانین برای ارتقای آموزش و علم در میان مردم بختیاری، برخی مقاومت‌های محلی ناشی از تعصب‌های بی‌جا و کم‌اطلاعی نیز صورت می‌گرفت. در رونوشت نامهٔ وزارت کشور به فرمانداری اصفهان دیده می‌شود که در صورتی که اعتبارات اضافه آید مدرسه‌ای در محل به درخواست اهالی تأسیس خواهد شد که بعدها محقق شد (ساکما، ۱۳۹۱/۰۰۲۱۶۵).

مدرسهٔ اسعدیه در روستای چلیچه از دیگر مدارس تأسیس‌شده به وسیلهٔ خوانین بختیاری بود. در سال ۱۳۲۸ش (۱۹۴۹م) توسط سالار اعظم^۸ و حاج علی‌قلی‌خان برادر

سردار اسعد، دبستان اسعدیه در این قلعه تأسیس شد. این مدرسه با هشت اتاق بزرگ و ایوانی در جلو و سقف چوبی به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع که مالک آن محمدخان سالار اعظم بود. در یک سمت مدرسه میدان بزرگی از چمن و در وسط آن یک تور والیبال نصب بود. زیربنای ساختمان و حیاط مدرسه تقریباً پنج هزار مترمربع، و پنج هزار آن نیز زیر کشت گندم و جو قرار می‌گرفت؛ و حاصل این کشت هزینه دبستان می‌شد (مصاحبه با سعید مردانی، ۱۳۹۸/۳/۴).

در ایجاد برخی مدارس نیز خوانین با اعطای زمین یا بخشی از قلعه‌های خانی خود در زمینه رشد و گسترش آموزش و افزایش سطح سواد کمک می‌کردند. در روستای شلمزار و در زمان احمدقلی خان، اندرون قلعه که ساختمانی ساده و چند اتاق داشت در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفت و تعدادی از جوانان روستا مشغول تحصیل شدند. پس از چندی ساختمان اندرونی به بهداری واگذار شد و به جای آن طبقه دوم برج قلعه که ساختمانی با سبک اروپایی و قسمتی از مجموعه قلعه بود، به مدرسه اختصاص داده شد. در این زمان، مکتب‌خانه‌های ملا میرزاخان باقری و ملا آخوند علی شیر پناهنده نیز دایر و پررونق بودند. پس از چند سال، در محوطه شمال شرقی قلعه و در کنار همین ساختمان‌ها، برای اولین بار در سال ۱۳۴۰ش (۱۹۶۱م) دبستان پسرانه صمصام ساخته شد. قبل از تأسیس اولین دبستان دخترانه، تعدادی انگشت‌شمار از دختران روستا به‌شکل مختلط در دبستان صمصام مشغول به تحصیل شدند. زمانی که هنوز دبستان شلمزار به صورت رسمی شکل نگرفته بود و تعداد کمی از فرزندان این روستا در برج قلعه تحصیل می‌کردند (خدابخشی شلمزاری، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۱). همچنین در برخی مناطق که آموزش نوین مورد استقبال عموم قرار می‌گرفت؛ عمدتاً رئیس فرهنگ منطقه از فرمانداری کل درخواست می‌کرد که حمایت خوانین را در اهدای ساختمان و

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و... پوران مردانی گُرانی و همکاران
اثاثیه مورد نیاز جلب کند. در این ارتباط برای تأسیس دبستان جدید در طاقانک، از
سلطان مرادخان بختیاری^۹ از خوانین آن منطقه تقاضای کمک شد (ساکما،
۲۹۳/۱۱۸۶۹۴).

۴. کدخدایان محلی و مدارس نوین

منصب کدخدا به عنوان متصدی امور مربوط به روستا پیشینه طولانی دارد. کدخدا
عموماً به فرد دانا، رئیس خانه و نگهبان، داروغه شهر، معتمد و رئیس محلات شهر و
عامل جمع‌آوری بدهی‌ها و مالیات و در واقع به عنوان رابط حکومت و جامعه روستایی
- شهری قلمداد می‌شد (فلور، ۱۳۹۲، صص. ۵۳-۵۴). منصب کدخدا در دوره مشروطه
با تصویب قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام ساختاری منسجم‌تری
یافت و روستا به عنوان کوچک‌ترین واحد حکومتی و در پایین‌ترین رده تشکیلات
پذیرفته شد (طالب، ۱۳۸۷، ص. ۶۴۶). منصب کدخدا در مناطق براساس سابقه
خاندانی و مطابق با نظر خوانین انتخاب و به صورت موروثی بوده است (دالمانی،
۱۳۳۵، ص. ۱۰۴۹).

بعد از تصویب آیین‌نامه وظایف کدخدایان، آنان در زمینه فرهنگ و معارف نقش
ایفا کردند. همکاری با رئیس معارف برای پیشرفت آموزشی، تهیه فهرستی از اسامی
بچه‌های ۶ تا ۱۴ سال روستا و همچنین تهیه اسامی آموزگاران که در روستا ساکن
بودند جهت استفاده در مدارس و آموزش و مراقبت در حفظ انتظام و نظافت دبستان
روستا از جمله نقش کدخدایان در گسترش مدارس نوین است. همچنین کدخدایان
وظیفه داشتند در صورت فقدان دبستان در روستا اعزام اطفال روستا به دبستان‌های
مجاور را جهت علم‌آموزی انجام دهند (ساکما، ۲۹۳/۰۰۶۸۴۸).

طبق قانون داشتن سواد برای کدخدا الزامی نبود و در قانون کدخدایی نیز به آن اشاره نشده بود. اما با توجه به مسئولیت‌های و وظایف مختلفی که طبق آیین‌نامه بر عهده کدخدا گذاشته شده بود، فقدان سواد یکی از عواملی بود که در انجام وظایف کدخدا مانع ایجاد می‌کرد و گاه باعث زحمت و اعتراض مأموران دولتی و گاه حتی اعتراض رعایای روستاها می‌شد (ساکما، ۱۳۹۳/۰۹۵۰۴۲). همچنین اسنادی از این دوره در دست است که طبق آن، خود کدخدا با بیان این‌که بی‌سواد است و از عهده وظایف کدخدایی بر نمی‌آید، تقاضای استعفا داده است (ساکما، ۱۳۹۳/۰۹۵۰۶۷).

کدخدایان محلی به جهت آن‌که نماینده و واسطه حکومت و مردم بودند، محل رجوع نامه‌های فرمانداری کل شهرکرد و چهارمحال درمورد ساخت و آماده‌سازی دبستان و تحویل به اداره فرهنگ از جمله در سال ۱۳۲۸ش (۱۹۴۹م) بودند (ساکما، ۱۳۹۳/۱۱۸۶۹۴). کدخدای هفشجان در پی درخواست فرمانداری کل به منظور ترقی و توسعه فرهنگ برای تعلیم و تربیت اطفال و آشنایی به وظایف و بهره‌مندی از دانش یک‌باب دبستان شش کلاسه در دهکده هفشجان که دارای ۶ باب اتاق است، ساخته شد و بعد از پایان ساخت دبستان این مدرسه تحت نظر و اختیارات اداره فرهنگ درآوردند (ساکما، ۱۳۹۳/۱۱۸۶۹۴). همچنین کدخدایان و مالکین قرابخش فارسان در سال ۱۳۱۶ش (۱۹۳۷م)، درخواستی را به وزارت معارف نوشتند و خواستار تأسیس مدرسه در قریه فارسان شده بودند، ولی بخشدار چهارمحال قریه جونقان را به این منظور در نظر گرفت که با مخالفت مالکان و کدخدایان فارسان و دهات همجوار آن مواجه شد. آن‌ها معتقد بودند جمعیت فارسان و قرا نزدیک آن بیشتر از جونقان است و شرایط فارسان از حیث آب و هوا بهتر و مساعدتر از جونقان برای احداث مدرسه است. در آن زمان جونقان به دلیل کاشت شلتوک (برنج‌کاری)، وجود باتلاق و مرغ

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی گرانی و همکاران

مالاریای وضعیت مساعدی ندارد و از بخشدار چهارمحال خواسته بودند که مردم قریه فارسان و قرای نزدیک آن از جمله فیل آباد، کران، عیسی آباد، ده چشمه، پُردنجان، گوجان و چلیچه را از این حق اجتماعی محروم نکنند و با ساخت مدرسه در این منطقه موافقت کنند (ساکما، ۲۹۱/۰۰۲۱۷۰).

افتتاح دبستان در قریه چالشر در اثر اهتمام و تلاش محمد ریاحی انجام گرفت و کمک‌های شایانی از طرف ایشان مبذول شد. این دبستان نیاز به مختصر تعمیرات داشت که توسط کدخدای جدید چالشر انجام گرفت و تحویل رئیس فرهنگ چهارمحال آقای جعفرزاده شد (ساکما، ۲۹۳/۱۱۸۶۹۴). همچنین سردار معظم و فرزندان ایشان که از خوانین و مالکین قریه دزک بودند و علاقه‌ای وافر به فرهنگ و آموزش داشتند، در ساخت و تکمیل مدرسه همکاری کرده‌اند (ساکما، ۲۹۳/۱۱۸۸۸۷).

محمدحسن رئیسی، کدخدای قریه دستگرد امامزاده در سال ۱۳۱۷ش (۱۹۳۸م) طی نامه‌ای به وزارت فرهنگ، درخواست ایجاد یک‌باب دبستان دولتی را در این روستا کرد که وزارت فرهنگ موافقت خود را مشروط به آن کرد که سایر دانش‌آموزان چند قرای نزدیک دیگر به قریه دستگرد نیز بتوانند از آن مدرسه استفاده کنند. آن موضوع نیز حل شد و در تاریخ ۱۳۱۸/۹/۳۰ش (۱۹۳۹م) کدخدا در قریه دستگرد امامزاده یک‌باب دبستان ملی برای ۳۱ نفر دانش‌آموز ایجاد کرد (ساکما، ۲۹۱/۰۰۲۱۶۵). بعد از رئیسی سایر کدخدایان قریه نیز در ارتقای تعلیم و تربیت در روستا تلاش می‌کردند، به گونه‌ای که نماینده فرهنگ چهارمحال از فرمانداری کل به جهت آن‌که آقای ابراهیم احمدی کدخدای قریه دستگرد امامزاده در تشویق اهالی نسبت به اعزام اطفال خود به دبستان دولتی و همچنین جلب کمک‌های مالکان قریه نهایت جدیت و تلاش را داشته،

درخواست می‌کند از نامبرده به نحو مقتضی تقدیر به عمل آید تا به این ترتیب کدخدایان سایر قرا چهارمحال در این گونه امور پیروی کنند (ساکما، ۲۹۳/۱۱۸۶۹۴).

سایر کدخدایان نیز که به ساخت و تکمیل مدارس همت نشان می‌دادند، مورد تشویق فرمانداری قرار می‌گرفتند تا الگو برای دیگر کدخدایان شوند. عموماً این کدخدایان علاوه بر تلاش در ساخت مدرسه، به تشویق اطفال و خانواده‌های آن‌ها برای ورود به دبستان و جلب کمک دیگران در تکمیل مدارس همت می‌گماشتند. خدارحم کدخدای شلمزار از جمله کدخدایان محلی بود که در ارتباط با ساختمان دبستان چند بار خدمت احمدقلی خان صمصام^{۱۰} از مالکان شلمزار رسید؛ اما وی اقدامی نکرد. وی نیز طی نامه‌ای به وزارت پیگیر ساخت مدرسه در آن دیار می‌شود که به نتیجه رسید (ساکما، ۲۹۳/۱۱۸۶۹۴). همچنین کدخدایان ضمن آن‌که در تجهیز مدارس مناطق تحت اختیار خود در روستاها تلاش می‌کردند؛ در مواردی نیز در ایجاد مدارس سیار عشایری در منطقه بازفت چهارمحال و بختیاری و مدارس اقلیت‌های دینی به‌ویژه ارامنه در منطقه گندمان نیز همکاری مستمر داشتند (ساکما، ۲۹۳/۱۱۸۸۸۶؛ ساکما، ۲۹۳/۳۱۳۵؛ ساکما، ۲۹۳/۳۱۳۵؛ بیگی بروجنی، ۱۳۸۷، صص. ۳۷۹-۳۸۰).

کدخدایان قریه‌ها با توجه به نفوذ بر افکار عمومی اهالی، با همیاری آنان جهت ساختمان دبستان اقدام به اخذ عوارض گاو، گوسفند و ملک کردند تا بتوانند نسبت به تعهد خود عمل کنند (ساکما، ۲۹۳/۱۱۸۶۹۴). اهالی منطقه نیز در ساخت مدارس کمک می‌کردند و طبق مقررات به آنان مصالح جهت ساخت مدرسه به نرخ دولتی داده می‌شد (ساکما، ۲۹۳/۱۱۹۸۵۸). گاهی هم روستاییان نیروی کار را در اختیار پیمانکاران قرار نداده و لذا بخشدار مسئول منطقه می‌بایست کارگر مورد نیاز را تأمین کند و موجبات پیشرفت ساخت مدرسه را با رعایت اصول فنی فراهم کند تا وقفه‌ای ایجاد نشود

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و... پوران مردانی گرانی و همکاران

(ساکما، ۱۱۹۸۵۸/۲۹۳). کدخدای روستای بن، محمدابراهیم افلاکی بعد از درخواست منوچهرخان بختیاری فرمانداری کل شهرستان شهرکرد جهت ساخت مدرسه با سایر خرده مالکان مشورت کرد و هزینه لازم را برای ساخت مدرسه تعیین می کند که مبلغ ۴۵۰۰ تومان می شود. این هزینه از طریق مزارع ملک و همچنین فروش سهمیه قند و شکر اختصاصی قریه بن به بازار آزاد با اجازه فرماندار تأمین شد. مقداری از آن سهم در بانک ملی به رسم امانت گذاشته شد و از ابتدای ۱۳۲۹ ش (۱۹۵۰م)، شروع به ساخت مدرسه کردند (ساکما، ۱۱۸۶۹۴/۲۹۳). همچنین برای نظارت بر ساخت و تکمیل بنای مدرسه نیز از کدخدای روستا و معتمد استفاده می شده است (ساکما، ۱۱۹۴۶۴/۲۹۳). همچنین اگر کدخدایی در زمینه ساخت مدرسه کوتاهی می کرد، جمعی از بزرگان و اهالی به بخشدار منطقه گزارش می دادند و از طرف مرکز آن ها احضار و مجازات هایی برای آنان در نظر گرفته می شد (ساکما، ۱۱۸۶۹۴/۲۹۳؛ ساکما، ۱۱۸۶۹۴/۲۹۳).

در مواقع لزوم نیز در جهت همکاری با کدخدایان در ساخت و تکمیل مدارس در منطقه چهارمحال و بختیاری از توان و امکانات نیروهای نظامی به ویژه ارتش نیز استفاده می شد. در سال های اولیه حکومت پهلوی هم زمان با شورش ها و افکار تجزیه طلبانه در برخی نقاط کشور سربازان و فرماندهان نظامی ضمن آن که امنیت و آرامش را برقرار می کردند، در مرحله بعد به نشر علم و تأسیس مدرسه جدید مبادرت می کردند (مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۰۴ الف، ص. ۲۱). در این ارتباط فرمانداری کل بختیاری از فرمانده گروهان ژاندارمری شهرکرد می خواهد که برای ایجاد دبستان در قرای چهارمحال، کدخدایان قرای تعیین شده برای مدرسه سازی هر چه سریع تر به فرمانداری کل احضار شوند و تعهدات لازم به منظور ایجاد ساختمان دبستان و

آماده‌سازی تا شروع سال تحصیلی آن مدارس در شهریورماه تحویل داده شود. تقریباً قرای در نظر گرفته شده برای ساخت ساختمان مدرسه شامل ۲۷ قریه از جمله قرای بلداجی، وردنجان، نافچ، هفشجان، عیسی‌آباد، کران و باباحیدر بوده است (ساکما، ۱۱۸۶۹۴/۲۹۳). بعدها ارتش نقش خود در آموزش را در دوره پهلوی دوم نیز در قالب همکاری‌های سپاه‌دانش ادامه داد.

۵. نتیجه

نخستین گام‌ها به سوی آموزش و پرورش نوین در دوره قاجار عمدتاً در مقطع سال‌های ۱۲۲۲ش (۱۲۵۹ق/ ۱۸۴۳م) تا انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ش/ ۱۹۰۶م) صورت گرفت در این زمان تلاش‌های تجدگرایانه با تداوم آموزش سنتی توأم بود. موج نیرومندی برای نوسازی مدارس و جبران عقب‌ماندگی‌ها در داخل کشور به‌وجود آمد، تأسیس و گسترش نظام آموزش مدارس و تدریس مواد درسی جدید یکی از اقدامات پایه‌ای در تحول ایران محسوب شد. نظام تعلیم و تربیت چهارمحال و بختیاری همگام با دیگر مناطق ایران در گذر از نظام سنتی به پیش رفت تا در رویکردی جدید به اعتلای فرهنگ غنی خود بیندیشد. پس از پیروزی انقلاب مشروطه مدارس جدید رو به افزایش نهادند. مدارس تحت حمایت دولت نیز وابسته به اعانات و کمک‌هایی بود که خیرخواهان به آن می‌کردند. مطابق قانون، تعلیمات ابتدایی، اجباری بود؛ اما با توجه به نبود منابع مادی لازم آموزش همگانی میسر نبود. سیاست گسترش آموزش افراد واجب‌التعلیم به شکل ناپیوسته پیش می‌رفت، زیرا باوجود تأسیس آموزشگاه‌های تازه مدارس هم بودند که عمری دراز نداشته و به سبب فراهم نشدن منابع مادی لازم تعطیل می‌شدند.

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی گرانی و همکاران

در این میان اقشار مختلف محلی به ویژه خوانین و کدخدایان محلی در گسترش مدارس در مناطق چهارمحال و بختیاری نقش اساسی داشتند. کمک و مشارکت این اقشار در امر مدرسه سازی و بازگشایی مدارس در نقاط مختلف کشور از اهمیت خاصی برخوردار بود. برخی خوانین بختیاری جهت تحصیل به اروپا رفتند و پس از بازگشت زمینه گسترش علم آموزی و مدرسه سازی را فراهم کردند.

با کمک خوانین در سال ۱۲۶۴ش (۱۳۰۳ق/۱۸۸۵م) اولین مدارس نوین به صورت مردمی در دزفول که آن موقع جزو مناطق چهارمحال و بختیاری محسوب می شد و سپس در سال ۱۲۸۲ش (۱۳۲۱ق/۱۹۰۳م) مدرسه ملی بختیاری مبارکه دهکرد، در سال ۱۲۸۹ش (۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م) مدرسه شهاب السلطنه بروجن، در سال ۱۲۹۰ش (۱۳۳۰ق/۱۹۱۱م) مدرسه ملی سامان، مدرسه ملی سعادت قهفرخ در سال ۱۲۹۹ش (۱۳۳۹ق/۱۹۲۰م)، مدرسه ملی جعفریه جونقان در سال ۱۳۰۱ش (۱۳۴۱ق/۱۹۲۲م) تأسیس شد. نقش برخی از خوانین و بزرگان در اعزام محصلان چهارمحال و بختیاری به کشورهای اروپایی جهت ادامه تحصیل نیز قابل توجه هست. بودجه مدارس توسط خوانین و کدخدایان به انواع مختلف تأمین می شد. در موقع برداشت محصول هر سال اختصاص مقداری از آن که بهایش در حساب به خصوص در بانک به نام ساختمان دبستان و در اختیار وزارت فرهنگ گذاشته می شد. کمک مالی هریک از مالکان با وساطت و فشار خوانین و کدخدایان محلی به تناسب سهم مالکانه ایشان بود نیروهای نظامی و ژاندارمری در کنار بزرگان و خوانین در گسترش مدارس و تعلیمات آموزش نوین نقش حائز اهمیتی داشتند. با تلاشی که خوانین و کدخدایان محلی در ارتقای آموزش و افزایش سطح دانش در منطقه چهارمحال و بختیاری داشتند، زمینه مساعدی برای تکمیل آن بعدها توسط سپاه دانش شد.



تصویر ۱: دبستان ملی بختيار دهکرد سال ۱۳۱۰ش



تصویر ۲: معلمان و کارکنان مدرسه ملی بختيار دهکرد در سال ۱۳۱۵ش

ایستاده: علی پناه - میرزا عباس - سیدحسین حسینی - فتح اله - نصراله زیرک‌زاده

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی گُرانی و همکاران

نشست از چپ: کریم نیکزاد (ناظم) - علی دانش - محمد زیرک‌زاده - سید محمد اعتماد (مدیر) - سید

جلال‌الدین فرزانه و محمد فرید - (عکاس: سعادت)

(مظهری دهکردی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۰)



گروهی از دانش آموزان اعزامی به اروپا سال ۱۲۸۵ شمسی در میان آنها از راست، جعفر قلی خان سردار اسعد، سردار محتشم، هزیرالسلطان، غلامرضا طهرانی در حاشیه عکس آمده است. شماره‌های ۱ - غلامرضا خان پسر سردار جنگ ۲ - جان بابا خان ۳ - امیر منصور ۴ - محمد علی ۵ - علی محمد ۷ - پداله ۸ - پسر میرزا حاجی آ ۹ - علی رضا ۱۰ - عبدالرضا ۱۲ - امیر حسین خان ۱۴ - عبدالرحیم پسر حاجی اوستا



از راست ۱ - یوسف خان امیر مجاهد ۲ - جعفر قلی خان سردار اسعد (ایستاده) ۳ - خسرو خان سردار ظفر ۴ - علی قلی خان سردار اسعد ۵ - امیر قلی خان

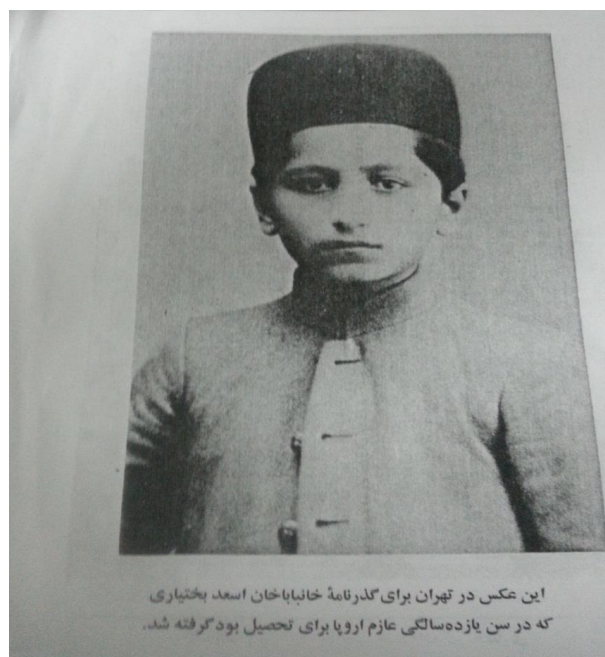
تصویر ۳: گروهی از دانش آموزان بختیاری اعزامی به اروپا در سال ۱۲۸۵ش

(نوروزی، ۱۳۷۴، ص. ۲۴۷)

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی گُرانی و همکاران

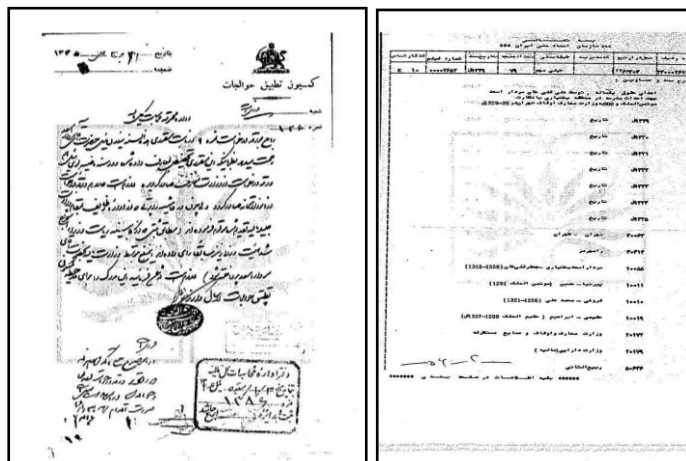


تصویر ۴: اعزام دانش‌آموزان بختیاری به مدارس اروپایی



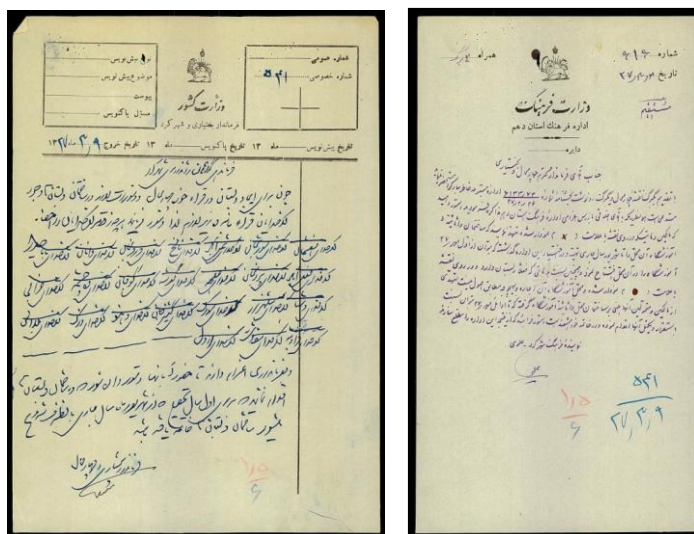
تصویر ۵: عکس خان‌باباخان اسعد بختیاری جهت گذرنامه

(آرشیو اسناد و مدارک آقای سعید مردانی)



تصویر ۶: پرداخت هزینه ساخت مدرسه ملی بختیاری دهکرد توسط سردار اسعدخان بختیاری

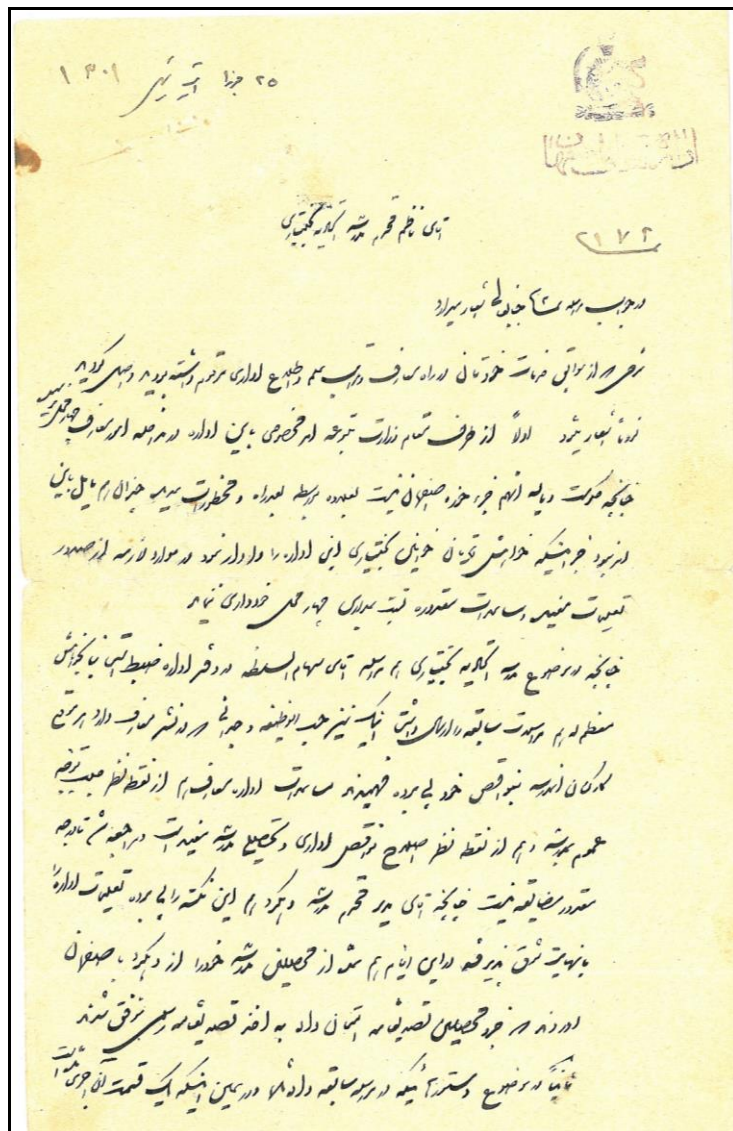
(ساکما، ۲۶۱۳/۰۰۲۴۰)



تصویر ۷: نامه فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری به کدخدایان دهات جهت ساخت مدرسه سال

۱۳۳۷ش (ساکما، ۱۱۸۶۹۴/۲۹۳)

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و... پوران مردانی گُرانی و همکاران



تصویر ۸: پاسخ اداره معارف به درخواست خوانین بختیاری درمورد نظارت اداره معارف اصفهان

بر مدرسه اتحادیه بختیاری بروجن

(آرشیو اسناد موزه رفیعه طار نطنز)



تصویر ۹: مدرسه جعفریه جونقان، سال ۱۳۱۱ش
(آرشیو اسناد و مدارک آقای سعید مردانی)



تصویر ۱۰: معلمان و دانش‌آموزان دبستان دولتی چالشر ۱۳۲۷ش
(آرشیو اسناد و مدارک آقای سعید مردانی)

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و... پوران مردانی گرانی و همکاران

پی‌نوشت‌ها:

۱. در این ارتباط به آثار ذیل می‌توان اشاره کرد:
علوی‌کیا، م. (۱۳۹۶). تاریخچه تأسیس نخستین مدارس نوین در کرمانشاه (۱۳۱۷-۱۳۲۴/ق ۱۸۹۹-۱۹۰۶م). پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۶ (۱)، ۳۴-۲۳.
مرادی‌نیا، م.، مطلبی، م. (۱۳۹۸). مدارس نوین و آموزش دختران در مناطق کردنشین (۱۳۰۴-۱۳۲۰). فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، (۴۱)، ۱۳۹-۱۶۱.
بهشتی سرشت، م.، و جوانمردی، ف. (۱۳۹۴). وضعیت مدارس نوین در کردستان ایران در سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ش. فصلنامه تاریخ علم، ۱۳ (۱۸)، ۳۱-۴۹.
بابایی زارچ، ا.، ترابی فارسانی، س.، و میرحسینی، م. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر رشد و استقرار نظام آموزش نوین در یزد از مشروطه تا پایان پهلوی اول. دوره جدید، ۱۲ (۴۵)، ۲۰-۱.
کار احمدی، م.، کیانی، م.، و قاسمی سیجانی، م. (۱۳۹۹). بررسی مدارس نوین اصفهان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول براساس عوامل شکل‌گیری و اجزای کالبدی. باغ نظر، ۱۷ (۸۸)، ۱۸-۵.
۲. مهدی قلی‌خان فرزند محمدتقی‌خان از خوانین بختیاری کیان ارثی محسوب می‌شد (گالت و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۲).
۳. ابراهیم چهارازی باغبادرانی پس از تحصیل در اروپا، در شهر تهران و در زمینه روان‌پزشکی به فعالیت پرداخت. وی از اولین بیمارستان‌ها در زمینه اعصاب و روان را در کشور تأسیس کرد.
۴. للچه: یا لله‌داری در فرهنگ بختیاری به معنی نگهداری از فرزندان خوانین و بزرگان توسط برخی افراد است.

۵. Helen Jeffreys

۶. در این دوره دزفول زیر نظر فرمانداری بختیاری و چهارمحال اداره می‌شد.
۷. عزیزالله‌خان فرزند رضا قلی‌خان از ایلخانان بختیاری و برادر کوچک‌تر ابراهیم خان ضرغام‌السلطنه بود.
۸. پسر علیقلی‌خان سردار اسعد دوم و برادر کوچک‌تر جعفرقلی‌خان سردار اسعد سوم است.

۹. سلطان مرادخان بختیاری فرزند اسفندیارخان ملقب به منتظم‌الدوله بود. این لقب در دوران پس از مشروطه به او اعطا شد. وی برای تحصیل مدتی در سوئیس و انگلیس اقامت کرده بود. دختر سردار محتشم، همسر وی بود (گالت و دیگران، ۱۳۸۷، صص. ۱۵۶-۱۵۷).

۱۰. احمدقلی خان صمصام پسر مرتضی قلی‌خان بود. وی در اروپا مشغول به تحصیل بود و پس از بازگشت به‌عنوان نماینده شهرکرد در مجلس شورای ملی انتخاب شد (گالت و همکاران، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۳).

الف) اسناد

(ب) کتاب

بنی، طالبی، ا. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر شناخت شهر کرد. تهران: آزاد مهر.

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و... پوران مردانی گرانی و همکاران

بهشتی سرشت، م.، و جوانمردی، ف. (۱۳۹۴). وضعیت مدارس نوین در کردستان ایران در سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ش. *تاریخ علم*، ۳ (۱۸)، ۳۱ - ۴۹.

بیگی بروجنی، ش. (۱۳۸۷). *بروجن نامی به بلندای تاریخ*. تهران: شرکت بهینه فراگیر.

پوربختیار، غ. (۱۳۸۷ الف). *اسناد برگزیده بختیاری‌ها در تاریخ معاصر ایران*. مسجد سلیمان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان.

پوربختیار، غ. (۱۳۸۷ ب). *جامعه بختیاری و تحولات ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی*. مسجد سلیمان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان.

پوربختیار، غ. (۱۳۸۷ ج). *سردار اسعد بختیاری و کوشش‌های فرهنگی. گنجینه اسناد*، ۶۹، ۱۹ - ۲۴.

حیدری پیدنی، د. (۱۳۹۴). *تاریخ گمشده بختیاری؛ بختیاری در فراسوی هزاره‌ها*. اصفهان: دارخوین.

خدابخشی شلمزاری، ح. (۱۳۹۲). *تاریخ و فرهنگ شلمزار: خوانین و انقلاب مشروطه*. تهران: سامان دانش.

دالمانی، ه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه م. فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.

دشتی، ف.، و ابطحی، م. (۱۳۸۹). *به نوسازی در عصر پهلوی اول*. راهبرد یاس، ۱.

زمانی‌پور، ب. (۱۳۷۸). *زندگی‌نامه شاعر و ادیب معاصر خادم‌الشریعه سامانی*. پژوهش فرهنگی، *اجتماعی فرهنگ بام ایران چهارمحال و بختیاری*، ۳.

زیرک‌زاده، ا. (۱۳۷۶). *پرسش‌های بی‌پاسخ در سال‌های استثنایی*. به کوشش ا. ضیا ظریفی و خ. سعیدی. تهران: نیلوفر.

سردار اسعد، ع.، و سپهر، ع. (۱۳۷۶). *تاریخ بختیاری*. به اهتمام ج. کیان‌فر. تهران: اساطیر.

صفی‌نژاد، ج. (۱۳۸۰). *لرهای ایران*. تهران: آتیه.

طالب، م. (۱۳۸۷). «کدخدا». *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*. شورای علمی عباس سعیدی و همکاران. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

- طاهری، ا. (۱۳۵۸). سفری به دیار ناشناخته. تهران: بی‌نا.
- علوی کیا، م. (۱۳۹۶). تاریخچه تأسیس نخستین مدارس نوین در کرمانشاه (۱۲۷۸-۱۲۸۵ش). پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۶ (۱)، ۲۳-۳۴.
- فلور، و. (۱۳۹۲). کدخدای. ترجمه ن. صالح‌نژاد. پیام بهارستان، ۶ (۲۱)، ۵۳-۶۰.
- فیاضی، م. (۱۳۸۶). یک قدم تا آسمان از بام ایران بروجن. بروجن: نشر افضل.
- قربان پوردشتکی، خ. (۱۳۹۰). انگلیس و بختیاری (۱۹۲۵-۱۸۹۶م). پژوهشی در باب مناسبات انگلیس با خان‌های بختیاری از آغاز سلطنت مظفرالدین شاه تا سقوط قاجاریه. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- قوانین و احکام، مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (بی‌تا). بی‌نا. بی‌جا.
- کار احمدی، م.، کیانی، م.، قاسمی سیچانی، م. (۱۳۹۹). بررسی مدارس نوین اصفهان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول براساس عوامل شکل‌گیری و اجزای کالبدی. باغ نظر، ۱۷ (۸۸)، ۱۸-۵.
- گارثویت، ج. (۱۳۷۵). بختیاری در آینه تاریخ. ترجمه م. امیری. تهران: آژان.
- گالت، چ.، و همکاران (۱۳۸۷). ایل بختیاری. ترجمه و به کوشش ک. بیات و م. احمدی. تهران: کتاب شیرازه.
- مبینی، ع. (۱۳۸۹). چهارمحال و بختیاری در منظر تاریخ. تهران: خلیلیان.
- متون (مجله تعلیم و تربیت) (۱۳۰۴، الف). لایحه و راپورت آقای کفیل وزارت معارف. ۱ (۱)، ۲۰-۲۱.
- متون (مجله تعلیم و تربیت) (۱۳۱۴، الف). معارف و ارتش. مهر و آبان، ۵ (۸ و ۷)، ۳۳۷-۳۴۸.
- مرادی‌نیا، م.، مطلبی، م. (۱۳۹۸). مدارس نوین و آموزش دختران در مناطق کردنشین (۱۳۰۴-۱۳۲۰). تاریخ اسلام و ایران، ۴۱، ۱۳۹-۱۶۱.

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و... پوران مردانی گُرانی و همکاران

- مظهری دهکردی، ح. (۱۳۹۶). شهرکرد در گذر زمان. سامان: سامان دانش.
- مکین روز، ا. (۱۳۷۳). با من به سرزمین بختیاری بیاید. ترجمه م. امیری. تهران: آزان.
- ملکزاده، م. (۱۳۷۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. ج ۴-۵، تهران: سخن.
- میرزایی دره‌شوری، غ. (۱۳۷۳). بختیاری‌ها و قاجاریه. شهرکرد: ایل.
- نوروزی، غ. (۱۳۷۴). آزان (ویژه فرهنگ هنر، تاریخ و تمدن بختیاری). تهران: نشر سعدی.
- نیکزاد امیرحسینی، ک. (۱۳۵۷). شناخت سرزمین چهارمحال. اصفهان: نشاط.
- وحید دستگردی، ح. (۱۳۵۹). ره‌آورد وحید. ج ۲. تهران: بی‌نا.

ج) مصاحبه

مردانی، سعید، محقق و پژوهشگر، ۱۳۹۸/۳/۴.

Analysing the role of local Khans and headmen of villages in the establishment and expansion of new schools in Chaharmahal va Bakhtiari

Poran Mardani korani^۱, SoheilaTorabi Farsani^{*۲}, Faizullah Bushashb Goshe^۳

Received: ۱۱/۰۸/۲۰۲۱ Accepted: ۲۳/۰۸/۲۰۲۲

Abstract

Until the end of the Qajar period, the educational system was more in line with the traditional system. No significant steps were taken in the field of education.

Applying modern education in Iranian society made a fundamental change in the field of teaching and training, during which new-style schools were built in various regions.

Due to the predominant nomadic and rural texture in Chaharmahal and Bakhtiari region, the government faced with serious challenges to implement the modern education system. Accordingly, local Khans and headmen of villages, as influencers in Bakhtiari society, had important impacts on the education by relying on their socio-political positions.

This research follows a descriptive-analytical method based on documents and library studies.

It will address the question of what role the local Khans and headmen of villages played in establishing new schools in Chaharmahal and Bakhtiari region and what challenges they faced in this direction.

The findings of the research show that Bakhtiari Khans were influenced by society. They encouraged their children to have higher education; In order to increase the level of literacy, they set up schools even at their own expense.

^۱. PhD Student, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

<http://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۱-۷۷۱۶-۳۶۳۱>.

^۲. Associate Professor of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author) stfarsani۱۹۶۳@gamil.com

<http://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۱-۸۴۰۸-۲۴۹۷>.

^۳. Associate Professor of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

<http://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۶۲۶-۶۷۵۸>

بررسی و تحلیل نقش خوانین و کدخدایان محلی و..... پوران مردانی کُرانی و همکاران

The local headmen of villages, who mediated between the government and the people, also played an influential role in the construction, reconstruction, and financing schools.

Keywords: modern education; Chaharmahal Bakhtiari; Khans, headmen of villages; schools.